



LIDA Stories

lidastories.net

بہ سیتا رفتی / Going to the cinema

✎ Espen Stranger-Johannessen

✎ Aakane

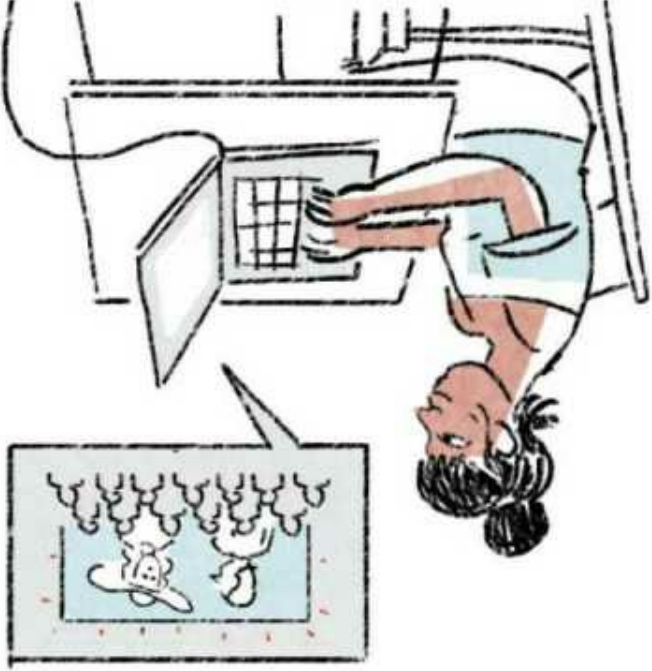
✎ Shir Ahmad Laiwal (prs)



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.
<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0>

Going to the cinema

بہ سیتا رفتی



✎ Espen Stranger-Johannessen

✎ Aakane

✎ Shir Ahmad Laiwal

3

🗣️ / English / عربي / en



هی برای یک فلم تلاش می کند. او می خواهد همراهی
بهترین دوست اش لیس، به سینما برود.

...

Mai searches for a film to watch. She wants to
go to the cinema with her best friend, Lisa.

Mai takes her scooter to the cinema. They have agreed to meet there.

...

ایک مہینے کے بعد، ایک موٹر سائیکل پر سوار ہو کر وہ سینما کے لیے نکلتی ہے۔ وہیں سے وہ سب سے ملنے کے لیے جاتی ہے۔





آنچه در سینه به یک دیگر سلام میگویند. آنچه برای دیدن فیلم بسیار خوش هستند.

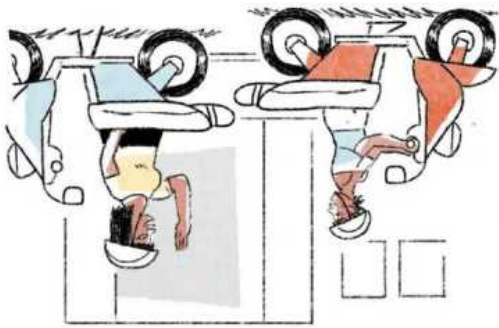
...

At the cinema they say hello. They are excited to see the film.

After the film they say goodbye and go home.

بعد از فیلم آنجا جدا جدا میزنند و خونه می روند

...



Mai buys tickets for both of them at the ticket counter.

مای برای هر دو از کونتر تکت میخره

...





او همچنین یک دبه کلن پله میخرد

...

She also buys a big bucket of popcorn.



این یک فیلم دهنه است. ان نوع فیلم پسند اینهن میید

...

It is a romantic film. That is their favourite kind.

They sit down to watch the film.

...

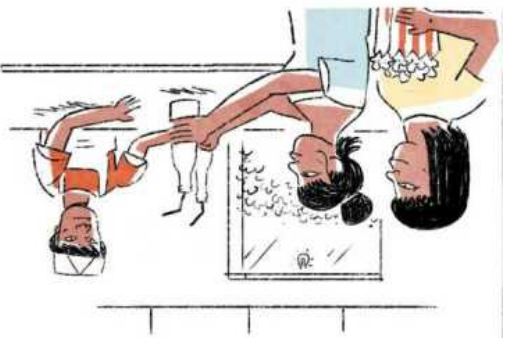
آنها می نشینند فیلم را ببینند.



Lisa takes the popcorn while Mai buys two bottles of soda.

...

لیسا پله را میگیرد در حالی که می دو بوتل سودا میخرد.





آنچه پیش از داخل شدن به سینما تکت های نشن را نشن می دهند
فلم را ببینند.

...

They show their tickets before they go inside to watch the film.



آنچه پشت چوکی ه خود می گردند. داخل سینما تریکی است چرا که
فيلم از قبل آهز شده است.

...

They look for their seats. It is dark because the film has already started.